

## مؤلفه‌های گردشگری مطلوب از دیدگاه قرآن کریم

سید محمد علی حسینی زهرایی<sup>۱</sup>

### چکیده

در جهان امروز گردشگری از زاویه‌های مختلف به عنوان یک صنعت مهم مطرح است، اما در آموزه‌های اسلامی مشروط به این است که ملاک‌های دینی و ارزشی در آن کاملاً رعایت شده و اهداف آن الهی باشد. در این مقاله، نویسنده در پی طرح برخی از مؤلفه‌های مهم تربیتی گردشگری از دیدگاه قرآن کریم است که یافته‌های تحقیق را تشکیل می‌دهد. روش تحقیق از نوع اسنادی، کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست تا نوع گردشگری گردشگران، منطبق بر ارزش‌ها و ملاک‌های ارزنده قرآنی انجام گردیده و سیاحت سیاحان، اهداف بلند و عالی را تعقیب نماید. اهم مؤلفه‌های تربیتی از منظر کلام وحی در این تحقیق، حصول بصیرت، پذیرش رسالت انبیای الهی، پند و عبرت‌پذیری، مشاهده آثار باستانی و تاریخی، معرفت و شناخت عمیق از پدیده‌ها و پیامدهای ناگوار طغیانگری و آثار ارزشمند سلوک طریق الهی، معتقد شدن به رستاخیز و معاد، پذیرش اسلام، پی بردن به نشانه‌های قدرت الهی، مانع تکذیب حقایق هستی، هدایت یافتگی، توحید پرستی، هستند که در رشد روحی و معنوی انسان آثاری ارزشمندی را پی‌ریزی خواهند کرد.

**کلید واژه‌ها:** مؤلفه‌های تربیتی، تربیت، هدایت، گردشگری، جهانگردی، سیر، سفر، سیاحت.

۱. دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم؛ گرایش قرآن و علوم تربیتی جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه /

M-a-hoseeini@yahoo.com

## مقدمه

اسلام دین کامل و جامعی است که به تمام نیازهای فطری انسان توجه کامل داشته و برای تمام نیازهای جسمی و روحی، ابعاد مختلف، زوایای پیدا و پنهان زندگی بشر برنامه و شیوه کار ارائه کرده است. سیروسفر از جمله نیازهای روحی و فطری انسان است که در بسیاری از جنبه‌های حیاتی وی نقش مؤثری ایفا می‌کند. دین مقدس اسلام که به تمام نیازهای روحی و جسمی انسان توجه داشته، این موضوع را نیز مورد توجه قرار داده است. وجود آیات متعدد در قرآن کریم و به طور کلی متون دینی حاکی از اهمیت این موضوع در اسلام است. درباره اهمیت سیروسفر و جایگاه آن در تعالیم دینی همین بس که مفهوم سیروسفر با الفاظ مختلف در قرآن کریم آمده است.

یکی از ویژگی‌های مهم و قابل بحث و بسط، در گردشگری و سیروسفر، تبیین انطباق آن با آموزه‌های قرآنی است. در این مقاله سعی شده با توجه به اهمیت موضوع و محدود کردن آن و برای اجتناب از اطالۀ کلام به مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیتی گردشگری و سیر و سیاحت از منظر قرآن کریم که آثار و برکات ارزشمندی را در ارتباط با تقویت مبانی دینی ارائه کرده و دیدگاه انسان نسبت به هستی و کائنات را عمق بیشتر می‌بخشد، مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱. بیان مسئله

یکی از برنامه‌های مهم و قابل طرح در موضوع گردشگری، اهمیت قائل شدن آموزه‌های دین اسلام به موضوع گردشگری است که در قرآن کریم از آن به عناوین چون سیر، سفر و سیاحت سخن رفته است. البته مبدأ پیدایش گردشگری را می‌توان همزاد آفرینش بشر دانست و اینکه آثار فراوانی را می‌توان بر آن مترتب نمود جای تردیدی نیست؛ گردشگری با ابعاد گسترده‌اش آن موقع مؤثر خواهد بود که دارای مؤلفه‌های مطرح‌شده در قرآن کریم باشد، چون آثاری فراوان مادی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بر آن استوار می‌گردد، لذا آنچه ما را به اهداف بلند الهی نزدیک کند، از نظر قرآن کریم مطلوب و محبوب خواهد بود.

خدای متعال، جهان را دارای هدف آفریده و هیچ موردی را نمی‌توان یافت که خالی

از هدف باشد:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ (ص: ۲۷)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنها است بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)!

گردشگری از آثار و فواید بی‌شماری برخوردار است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین تصریح نموده‌اند:

تَغَرَّبُ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى  
وَسَافِرٌ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدَ  
فَرُجٌ هُمْ وَ اِكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ  
وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَا جِدَ.

برای کسب بلندمرتبگی از وطن خود دور شو و سفر کن که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، به دست آوردن روزی و دانش و آداب زندگی و همنشینی با بزرگواران. (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ۱۱۵)

گردشگری نیز از این قانون کلی جهان آفرینش مستثنا نیست. طبق بیان قرآن کریم اهداف بلندی در آن نهفته است که توجه به آن اهداف انسان گردشگر را از غفلت بیرون کرده و به تقویت باورهای دینی و اعتقادی او کمک خواهد کرد، لذا شناخت مؤلفه‌های تربیتی گردشگری مطلوب از منظر قرآن کریم ما را به اهداف آفرینش نزدیک کرده و حالت غفلت ما را تبدیل به حالت تنبیه و بیداری خواهد کرد.

جهانگردی یا توریسم که در دنیای قدیم منحصر به امور بارزگانی، زیارت، پیام‌رسانی، مسافرت استثنایی جاسوسان و ماجراجویان و همچنین طالبان علم بود، امروزه یکی از مسائل مهم و مؤثر اقتصادی و یکی از عوامل برجسته ارتباط اجتماعی و فرهنگی در حد یک مسئله مهم جهانی، قابل توجه و بررسی است. (شکویی، ۱۳۵۴، مقدمه)

### ۱.۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از ضروریات زندگی اجتماعی، از آغاز آفرینش تاکنون برقراری ارتباط از راه‌های مختلف بوده است. سیر و سیاحت، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل برای برقراری ارتباط در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. سفر، حقیقت زندگی است و زندگی خود یک سفر. انسان، همیشه درگذر از دیروز به امروز و از امروز به فرداست. امروزه با گسترش جوامع بشری و پیچیده شدن ارتباطات و افزوده شدن مشکلات و گرفتاری‌های بشر، یکی از راه‌های کاهش پیامدهای این پدیده، اهمیت به

سیر و سیاحت در جهت پرورش و رشد شخصیت اخلاقی و فرهنگی و ظهور شخصیت حقیقی انسان‌هاست.

آشنایی با رهنمودهای دین مقدس اسلام درباره اهمیت و آداب سیر و سیاحت، آثار تربیتی آن عبرت گرفتن از سفرهای تاریخی پیامبران الهی و ملت‌های پیشین و آگاهی از ابعاد آفاقی و انفسی سفر در زمینه‌های مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باعث می‌شود کمالات روحی و خوی‌های اخلاقی افراد بارور و واقعیت آشکار شود و حجاب‌های ظاهری به کناری رود.

در قرآن کریم آیات متعددی آمده است که از گردشگری با واژگانی همچون:

- «سفر» (بقره: ۱۷۴، ۱۸۵، ۲۸۳؛ نساء: ۴۳؛ مائده: ۶؛ کهف: ۶۲؛ سباء: ۱۹)؛

- «سیر» (آل عمران: ۱۳۷؛ انعام: ۱۱؛ یونس: ۲۲؛ یوسف: ۱۰، ۱۲، ۱۰۹؛ رعد: ۳۱؛

نحل: ۳۶؛ کهف: ۴۷؛ حج: ۴۶؛ نمل: ۶۹؛ قصص: ۲۹؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۹، ۴۲؛ سبأ:

۱۸؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱، ۸۲؛ محمد: ۱۰؛ طور: ۱۰؛ نبأ: ۲۰؛ تکویر: ۳)

- «سیاحت» (تحریم: ۵)؛

- «هجرت» (بقره: ۲۱۸؛ آل عمران: ۱۹۵؛ انفال: ۷۲، ۷۴، ۷۵؛ توبه: ۲۰؛ نحل: ۴۱،

۱۱۰؛ حج: ۵۸)

- «نفر» (نساء: ۷۱، ۸۵؛ توبه: ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۸۱، ۱۲۲؛ حشر: ۹؛ احزاب: ۵۰؛ مزمل:

۱۰)؛

- «ضرب فی الارض» (آل عمران: ۱۵۶؛ نساء: ۹۴، ۱۰۱؛ مائده: ۱۰۶؛ مزمل: ۲۰)؛

- «رحله» (قریش: ۲)؛

- «ظعن» (نحل: ۸۰) و... نام‌برده شده است و تمامی آن‌ها دال بر اهمیت و ضرورت

گردشگری دارد.

## ۲.۱. پیشینه پژوهش

اصطلاح توریسم از قرن نوزدهم معمول شد و واژه توریسم نخستین بار در سال ۱۸۱۱م. در مجله انگلیسی به نام مجله ورزش آمده است. کم‌کم «توریست» به بعضی از زبان‌های دیگر وارد شد و از آن واژه «توریسم» به وجود آمد و سیر و سیاحت برای استراحت از اوایل قرن ۱۶ شروع شد.

انسان در اعصار ما قبل تاریخ بیشتر برای یافتن غذا، دوری جستن از خطرات و یافتن چراگاه به مناطق دیگر رهسپار می‌شدند. در دوره‌های بعد به منظور دادوستد، ارضای حس کنجکاوی و کشف پدیده‌های ناشناخته مبادرت به سفر می‌کردند. (www.tourismplanning.ir)

در پنج هزار سال پیش سفرها بیشتر با اهداف تجاری و فعالیت‌های نظامی و اداره دولتی امپراتورهای بزرگی مثل سومری‌ها، ایرانی‌ها، مصری‌ها، آشوری‌ها، یونانی‌ها و امپراتوری روم در منطقه مدیترانه و خاورمیانه انجام می‌گرفت. با گسترش امپراتوری‌ها و نیاز به کنترل سرحدات و همچنین تسهیل امر تجارت و مبادله کالا مبادرت به ساخت راه‌های ارتباطی شد. در این میان ایرانیان با ساختن کالسکه‌های چهارچرخ، یونانیان باستان با ضرب نخستین سکه و جایگزین کردن آن به جای کالا و ترویج زبان یونانی و برگزاری مسابقات المپیک باعث رونق مسافرت و جهانگردی گردیدند.

جهانگردی در اسلام از همان آغاز که با نام هجرت شروع شد، همواره در طول تاریخ اسلام ادامه داشت. گرچه در آغاز برای رهایی از شکنجه و آزار دشمنان صورت می‌گرفت، ولی بیشتر هدف از آن تقویت اسلام و نشر آثار و فرهنگ اسلامی بوده است. نخستین هجرتی که در اسلام رخ داد، هجرت حدود ۸۵ نفر از جوانان تازه مسلمان بود که با دستور پیامبر اسلام ﷺ مکه را به قصد حبشه ترک گفتند (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۶۰-۳۴۴) و آیین اسلام به دست این مهاجرین در دیار حبشه شهرت یافت.

در دوران خلفا پس از رحلت پیامبر ﷺ، هجرت به اطراف کشور و آگاهی از اوضاع و احوال کشورهای مجاور صورت می‌گرفت و از جانب خلفا هیئت‌های رسمی گسیل می‌شدند تا از آن محیط‌ها کسب اطلاع کرده، ضمناً زمینه را برای توسعه و نشر فرهنگ اسلامی آماده سازند. علاوه بر هیئت‌های سیاسی که به منظور برقراری روابط دیپلماتی اعزام می‌شدند، در قرن سوم و چهارم هجری شخصیت‌های بارزی به جهانگردی دست زدند و آثار گران‌بهای از خود به یادگار گذاردند.

### ۱.۳. روش تحقیق

در این پژوهش از روش اسنادی، کتابخانه‌ای (جمع‌آوری اطلاعات از کتابخانه‌ها)، روش تحلیل محتوا و همچنین مقالات اینترنتی، پایگاه‌های اسلامی و نرم‌افزارهای قرآنی به خصوص نرم‌افزار جامع تفاسیر نور استفاده شده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

۱. «سَفَر» یک واژه عربی است و در لغت، به معنای کشف حجاب و کنار زدن پرده، روشن شدن، آشکار شدن، ظاهر شدن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۲) حرکت از محیطی خارج از محدوده وطن که در مقابل حضر قرار می‌گیرد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵: ۱۶۵) مسافرت را از آن جهت سفر گویند که اخلاق مردم در آن آشکار می‌شود طوری که در غیر آن آشکار نمی‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۷۱)

۲. «سیر»: حرکت و سیر و رفتن ظاهری اعم از اینکه جنبه مادی داشته باشد و یا جنبه معنوی. (مصطفوی، همان: ۳۵۲) گذشتن و سیر کردن در زمین، تشویقی است بر سیر و سیاحت در زمین با جسم و بدن و نیز گفته شده تشویقی است بر جولان و حرکت فکری و دریافت حالات دگرگون شده اقوام و زمین. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۲)

۳. «سیاحت»: سیح: جریان و حرکتی است که همراه با دیدن و نگاه کردن، توجه و تفکر به وظایف بین انسان‌ها و خداوند باری تعالی و به قصد طاعت و عبادت و یا به قصد سخن‌چینی و فساد و ایجاد شر است. همچنین اطلاق سیح در حرکت و جریان سایه هنگامی که برمی‌گردد، به این جهت است که این عمل و حرکت با دقت و تدبیر و حساب و کتاب است و اطلاق «سیح» بر عبای راه‌راه و مخطط به علت اعمال تدبیر و دقت نظر در خطوط و تاروپود آن هنگام بافته شدن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵: ۳۴۵)

در فرهنگ فارسی جهانگردی به معنای کسی که زیاد سفر می‌کند، آمده است. تحولات حاصله در شئون زندگی مادی و معنوی جوامع اروپایی در قرن بیستم موجب شد که در تعبیر و تفسیر از جهانگردی و جهانگرد تغییر بی‌وجود آید. از توریست به عنوان کسی که برای تجدید نیرو، رفع خستگی و در ضمن خودسازی به وسیله آشنایی با اقوام مختلف و شناختن پدیده‌های دنیای ماوراء، مسکن و محل سکونت دائمی خویش به مسافرت اقدام می‌ورزد یاد می‌کند. (محلاتی، بی‌تا: ۹ و

(۱۱)

از مجموع آنچه تاکنون آمد استفاده می‌شود که گردشگری و جهانگردی و یا تور و توریسم، حرکت انسان به سوی اهدافی از پیش تعیین شده است، منتها هرکسی با توجه به معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی خود هدفی خاصی را دنبال می‌کند و این سیر، حرکت، سیاحت و کوچیدن از مبدأ به مقصد خاصی چه درون کشوری و چه برون کشوری پدیده‌ای نوظهور گردشگری را سامان می‌دهد.

### ۳. مؤلفه‌های تربیتی گردشگری مطلوب در آیات قرآن کریم

گردشگری و جهانگردی دو موضوع هم‌معناست؛ البته برخی بین این دو تفاوت قائل شده و جهانگردی را عام و خارج از یک کشور تلقی کرده‌اند بدین معنا که جهانگردی به سیر و سیاحت خارج از کشور متبوع انسان است، ولی از منظر قرآن کریم سیر و سیاحت اعم بوده و شامل درون کشوری و برون کشوری و حتا درون انسانی و برون انسانی، هر دو می‌شود و تفاوتی قائل نشده است.

از آموزه‌های دینی به ویژه قرآن کریم به دست می‌آید که هر نوع گردشگری مطلوب و پسندیده نبوده، بلکه گردشگری مطلوب، دارای اهداف و مؤلفه‌های تربیتی است که بیدارگر، مقرب به خدا، معرفت و شناخت طبیعت با چشم حقیقت‌بین، پندپذیری، پند دهی، پذیرش رسالت انبیای الهی، عمق معرفت به مبدأ و معاد، تمایل پیدا کردن به دین حق، پی بردن به حقایق عالم و رسیدن به هدایت الهی بوده و توحید پذیری در انسان را به ارمغان بیاورد. در ادامه به برخی از این شاخصه‌ها اشاره می‌کنیم.

#### ۳.۱. حصول بصیرت

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾. (حج: ۴۶)

«آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود».

در این آیه مردم را وادار می‌کند به اینکه از سرگذشت این قراء و شهرها که هلاک و ویران شدند و از این آثار معطله و قصور مشییده که امت‌های گذشته از خود به یادگار گذاشته‌اند عبرت گیرند. در زمین سیر کنند که سیر در زمین چه بسا آدمی را وادار به تفکر کند که چه شد که این امم نابود شدند و در جستجوی دلیل آن متوجه این دلیل شوند که هلاکت آنان به خاطر شرک به خدا و اعراض از آیات او و استکبار در مقابل حق و تکذیب رسولان بوده، آن وقت است که صاحب قلبی می‌شوند که با آن تعقل می‌کنند و همان عقل و قلب ایشان را مانع از شرک و کفر شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ۲۳۳)

### ۲.۳. پذیرش رسالت انبیای الهی

آن زمان که گردشگری و سیر در زمین، بصیرت قلبی را برای سیاح و گردشگر به ارمغان آورد و قلب او از دیدن آیات الهی متحول گردید، به دنبال کسی می‌گردد که پیام‌های الهی را به جهانیان رسانیده است و پذیرش رسالت انبیای الهی و به ویژه رسالت رسول خاتم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قلب او جوانه خواهد زده و از این مسیر به هدایت و تربیت مطلوب دست پیدا خواهد کرد.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ\* وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾. (نحل: ۳۵ و ۳۶)

«مشرکان گفتند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی‌کردیم؛ و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی‌ساختیم!» (آری)، کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند؛ ولی آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید! خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!».

جمله ﴿فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا...﴾ در جواب دلیل مشرکان است که می‌گفتند: ﴿لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ﴾، بدین معنا که در زمین سیر کنید و در فرجام مکذبان تأمل کنید تا برایتان روشن شود که دعوت پیامبران تنها برای انذار است، نه اجبار بر ترک عبادت بت‌ها و رسالت و دعوت پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم آن‌گونه که شما تصور می‌کنید نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۴۵)

در تفسیر آیه این احتمال نیز وجود دارد که آن‌ها این سخن را به خاطر اعتقاد به جبر نمی‌دانستند، بلکه می‌خواستند چنین استدلال کنند که اگر اعمال ما مورد رضای خدا نیست پس چرا قبلاً پیامبرانی نفرستاده و از آن نهی نکرده است این تفسیر با ذیل این آیه و آیات بعد سازگارتر است. یعنی اولاً اینکه می‌گویید خداوند سکوت کرده هرگز سکوت نکرده است و هر پیامبری آمده آشکارا دعوت به توحید و نفی شرک نموده است،



ثانیاً وظیفه خدا و پیامبر مجبور ساختن نیست، بلکه نشان دادن راه و ارائه طریق است و این کار انجام شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۲۵)

ارتباط بین دو آیه و رسالت پذیری سیاحان در زمین بدین صورت قبال ترسیم است که مشرکان قائل به جبر بودند و شرکشان را منسوب به جبر می‌کردند. آیات مذکور جبر را نفی کرده و تبلیغ و رسالت انبیای الهی را مطرح و برای پی بردن به رسالت انبیا سیر در زمین را گوشزد می‌کند، چون هدایت و فلاح بر اثر تبلیغ انبیای الهی مسیراست و کسانی که سیر در زمین داشته و از آثار برجای مانده متنبه شده باشند پی به رسالت انبیا برده و در نتیجه رسالت‌پذیری و تربیت الهی نصیب‌شان خواهد شد.

### ۳.۳. پندپذیری

بسیاری از اوقات گردشگری، دیدن، شنیدن سرگذشت پیشینیان و مطالعه وضعیت زندگی آنان باعث پندگیری و بیدار شدن انسان سیاح می‌گردد که خود یک نوع اثر تربیتی در زندگی فرد بوده و در اثر این سیروسفر وجدان او بیدار شده و باعث رشد و هدایت او گردد؛ چنان که خدای منان به صراحت اشاره کرده است: ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾. (آل عمران: ۱۳۷)

«پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند که شما نیز، همانند آن رادارید) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟»

خداوند سنت‌هایی در اقوام گذشته داشته که این سنن هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی درباره همگان، گذشتگان و آیندگان، اجرا می‌شود. در این سنن پیشرفت و تعالی افراد باایمان و مجاهد و متحد و بیدار پیش‌بینی شده و شکست و نابودی ملت‌های پراکنده و بی‌ایمان و آلوده به گناه نیز پیش‌بینی گردیده که در تاریخ بشریت ثبت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۰۲) خداوند فرموده: در زمین سیر کنید و اخبار تکذیب‌کنندگان را و آنچه را به ایشان رسیده با دیده عبرت بنگرید تا پند گیرید و دیگر مثل اعمال آن‌ها را تکرار ننمایید و همچون آن‌ها را تکذیب و انکار پیامبر ﷺ را مپوید که نمونه آن عذاب‌ها که بر ایشان فرود آمده بر شما نیز نازل شود. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۲۶۴) ﴿... فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾، در اینجا مراد از گردش بر روی زمین، تنها سیروسفر نیست، بلکه مطلق

شناخت احوال گذشتگان است؛ از هر راهی که امکان‌پذیر باشد. هیچ خردمندی تردید ندارد که کاوش در احوال مردم و آگاهی از عوامل ضعف یا قوت آنان، سودمند است، زیرا انسان از آن‌ها پند و اندرز می‌گیرد و به آنچه خیر و صلاح اوست، هدایت می‌شود و به همین دلیل است که خداوند فرمود: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾. (آل عمران: ۱۳۸)

این آیه اشاره دارد به یادآوری سنت‌های حکمت‌آمیزی که هرکس بر طبق آن رفتار کرد، پیروز شد و هرکس از آن سرباز زد، زیان دید. بنابراین، باید گذشته را برای همه مردم بیان کرد تا حجتی باشد بر هرکس که نافرمانی می‌کند و هدایت و اندرزی باشد برای کسی که تقوا را پیشه می‌سازد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶۴)

با دقت در آیات فوق می‌بینیم خداوند برای مسلمانان سنت پیشینیان را مطرح و سیر در زمین را مقدمه‌ای پندآموزی از سرگذشت گذشتگان دانسته و هر گردشگری با این پندگیری مسیر هدایت و تربیت مطلوب را انتخاب خواهد کرد.

### ۳.۴. مشاهده آثار باستانی

دیدن آثار باستانی که نتیجه گردشگری است، نقش بارزی در تربیت و هدایت انسان‌ها دارد، چه اینکه آثار به‌جای مانده از گذشتگان ما را به اعماق زندگی پرفرازونشیب آنان آشنا کرده و آداب و رسوم، فرهنگ، شیوه زندگی، پیروزی‌ها و شکست‌ها، دستاوردهای مثبت و منفی صاحبان آثار را در معرض دیدمان قرار می‌دهد:

﴿أَو لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارُوا الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾. (روم: ۹)

«آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آن‌ها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند و پیامبران‌شان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آن‌ها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آن‌ها به خودشان ستم می‌کردند!».

خداوند تبارک و تعالی قضایای امم سابقه را در بسیاری از سوره‌های قرآن به بندگان گوشزد فرموده که در اثر شرک، کفر، تکذیب انبیاء، ظلم، فسق و فجور و معاصی به چه

عقوباتی گرفتار شدند و هلاک گردیدند، قوم نوح، عاد، هود، ثمود، نمرود و اتباعش، قوم ابراهیم، لوط، اصحاب مدین و ایکه قوم شعیب و فرعونیان و بنی اسرائیل، قوم موسی و مجوس و یهود و نصاری؛ حتا قبل از اسلام، ابرهه و اصحاب فیل، حتی بعد از اسلام، بنی امیه و بنی العباس و سلاطین جور هرکدام به چه عقوبت‌ها هلاک شدند؛ غرق، بادهای سمی، صیحه و صاعقه، خسف، امطار حجاره، بلاهای ناگهانی، بلکه همین امروز، این تصادفات و این امراض تازه پیداشده و این گرفتاری‌ها، تمام را مشاهده می‌کنیم و به خود نمی‌آییم و روزبه روز در تزايد فسق و فجور هستیم. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۶۳) خداوند، سرگذشت امت‌های کافر گذشته را خاطرنشان ساخت، باشد که از شنیدن آن عبرت گرفته و از کفر دست بردارند و کلمه «أَثَارُوا الْأَرْضِ» به معنای زیر و رو کردن زمین برای زراعت و تعمیر و امثال آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۳۹)

در آیات فراوانی دیدن آثار باستانی به عنوان عوامل تربیتی انسان، بیان شده است از جمله آل عمران: ۱۳۷؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱، ۸۲ و محمد: ۱۰. تمامی مشاهدات فوق که نتیجه سیاحت و گردشگری هستند عوامل مهمی هستند برای انسان به سوی تربیت و هدایت الهی.

### ۳.۵. شناخت

شناخت در زندگی یکی از مؤلفه‌های مهم تکامل است. یکی از عوامل شناخت سیاحت و سیر در زمین است که انسان‌ها به آن دست پیدا می‌کنند؛ خدای متعال این حقیقت را چنین بیان نموده است: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾. (حج: ۴۶)

«آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود».

سفرهای علمی و تجربی، کاری ارزشمند و راهی مطلوب برای گسترش شناخت است. عقل، گوش و چشم از ابزار شناخت هستند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۵۴) در این آیه مردم را وادار می‌کند به اینکه از سرگذشت این قراء و شهرها که هلاک و ویران شدند و از این آثار معطله و قصور مشیّده که امت‌های گذشته از خود به یادگار گذاشته‌اند عبرت گیرند. در زمین سیر کنند که سیر در زمین چه بسا آدمی را وادار به تفکر کند که چه شد که این امم نابود شدند و در جستجوی دلیل آن متوجه

این دلیل شوند که هلاکت آنان به خاطر شرک به خدا و اعراض از آیات او و استکبار در مقابل حق و تکذیب رسولان بوده، آن وقت است که صاحب قلبی می‌شوند که با آن تعقل می‌کنند و همان عقل و قلب ایشان را مانع از شرک و کفر شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۹)

آیه فوق ابزار شناخت را معرفی کرده است؛ آن گاه این ابزار فعال می‌گردد که مسیر شناخت را به درستی طی کنیم و یکی از طرق دستیابی به شناخت که منجر به تربیت و هدایت انسان می‌گردد سیر در زمین و اندیشه در سرگذشت امت‌های پیشین خواهد بود.

### ۳. ۶. عقیده به معاد

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیتی گردشگری اینکه گردشگر با دیدن تحولات رخ داده در اعصار گذشته و دیدن آثار به‌جای مانده از آنان و تغییر وضعیت زمین، تخریب کاخ‌های سلاطین گذشته، دیدن شهرها، انتقال از وضعیت گذشته به زمان حال و... اعتقاد او به معاد و روز رستاخیز محکم‌تر خواهد گردید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. (عنکبوت: ۲۰)

«بگو: در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است!»

حضرت ابراهیم علیه السلام به قوم خود فرمود: خداوند به من امر کرده به اینکه بگو با امت خود که منکر بعثت‌اند و مکذب و حدانیت که بروید در زمین پس بنگرید از راه تفکر و استدلال که چگونه آفریده است خدای تعالی خلق را بر اختلاف اجناس و اشکال و افعال و احوال و یا در دیار امم سالفه بگذرید و تفکر کنید که ایشان با وجود قوت و قدرت و شوکت و جسامت آفریده خدا بودند و به جهت کفر و عناد ایشان را مستأصل ساخت و هر که بر این قادر باشد بر اعاده (بازگرداندن در روز رستاخیز) نیز قادر خواهد بود. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۱۲۵)

امروز این آیه برای دانشمندان معنی دقیق‌تر و عمیق‌تری می‌تواند ارائه دهد و آن اینکه بروند و آثار موجودات زنده نخستین را که به صورت فسیل‌ها و غیر آن در اعماق دریاها، در دل کوه‌ها و در لابه لای طبقات زمین است ببینند و به گوشه‌ای از اسرار آغاز حیات در کره زمین و عظمت و قدرت خدا پی برند و بدانند که او بر اعاده حیات قادر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۳۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۷۴)

همان‌گونه که در تفاسیر بیان شده است انسان از سیر آفاقی، به مرحله می‌رسد که با تدبر در سرگذشت گذشتگان، می‌تواند اعتقاد خود به روز رستاخیز را تقویت کند و از این رهگذر به قدرت خدای متعال پی ببرد که وقتی او بدون طرح و نقشه قبلی توانسته چنین آفرینش زیبا، وسیع و گسترده داشته باشد قطعاً قادر خواهد بود که مجدداً انسان را در عالم و نشئه‌ای دیگر برای حساب و کتاب بیافریند. این تفکر خود نوعی اثر تربیتی مهم در زندگی دنیایی او خواهد بود.

### ۳.۷. قبول اسلام

برخورد انسانی و شایسته متولیان کشورهای اسلامی با گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم تربیتی و مطلوب برای آشنا نمودن گردشگران با آموزه‌های دینی و اسلامی باشد؛ کما اینکه در کشورهای غیر اسلامی از چنین شیوه‌های استفاده می‌شود.

﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ﴾.

«با این حال، چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین سیر کنید (و هر جا می‌خواهید بروید و بیندیشید)! و بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید، (و از قدرت او فرار کنید! و بدانید) خداوند خوارکننده کافران است!»

اینکه قرآن مردم را دستور داد که در چهار ماه سیاحت کنند کنایه است از اینکه در این مدت از ایام سال ایمن هستند و هیچ بشری متعرض آنان نمی‌شود و می‌توانند هر چه را که به نفع خود تشخیص دادند انجام دهند؛ زندگی یا مرگ، نفع مردم را در نظر گرفته و می‌فرماید: صلاح‌تر به حال ایشان این است که شرک را ترک کرده و به دین توحید روی آورند و با استکبار ورزیدن خود را دچار خزی الهی ننموده و هلاک نکنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۹۸) ظاهراً این مهلت (چهارماهه) برای آن بود که مجال تفکر و بررسی صلاح و فساد را داشته باشند. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸۶)

آیه بیانگر این معناست که غیرمسلمانان با حضور در محدوده کشور اسلامی به عنوان توریست و گردشگر از فرصت کافی برای سیر و سیاحت برخوردارند و در نتیجه این فرصت و برخورد مناسب، می‌توان ذهنیت منفی آنان را نسبت به اسلام از بین برد و زمینه قبولی اسلام را از جانب آنان مهیا کرد.

### ۳.۸. نشانه قدرت خداوند

با سیر در زمین و دیدن آفریده‌های خدای متعال، انسان با انصاف به توانایی و قدرت بی‌نهایت او پی خواهد برد. مشاهده آثار بدیع و صنع خدای منان، گردشگر را در مقابل عظمت آفرینش به کرنش در برابر خالق این عظمت واخواهد داشت:

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾. (فاطر: ۴۴)

«آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چگونه بود؟! همان‌ها که از اینان قوی‌تر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمان‌ها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست!»

آیه مبنی بر تهدید کفار و بت‌پرستان مکه است مگر به سرزمین‌های اقوام و ملت‌های گذشته مانند سرزمین عاد و ثمود گذر نموده تا از نزدیک بنگرند که عاقبت اقوام که در مقام انکار دعوت رسولان برآمده و به مبارزه با ساحت پروردگار برخاسته، با اینکه کثرت جمعیت آنان زیاده و نیرومندتر از کفار قریش و بت‌پرستان مکه بوده همه آن‌ها را به هلاکت افکنده و آثاری از آنان به چشم نمی‌خورد جز ویرانی محل سکونت آنان. آیه عقد سلبی و مبنی بر احاطه قیومیه پروردگار و قدرت بی‌نهایت او بر جهان هستی است که از خواسته او نیرویی نمی‌تواند مانع شود و هر نیرویی در جهان باشد ظهوری از مشیت و خواسته او است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۳۳۸؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۴۹)

### ۳.۹. مانع تکذیب حقایق

از دیگر مؤلفه‌های مهم تربیتی گردشگری، جلوگیری از کتمان حقایق هستی است؛ چه بسا سیر در زمین مانع از انکار حقایق گردیده و جرقه برای هدایت و تربیت او باشد، زیرا دیدن و مشاهده سرنوشت دروغ‌گویان در طول تاریخ بسیاری از حقایق را برای انسان روشن و آشکار می‌کند:

﴿وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾. (نحل: ۳۶)

«ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید! خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود.»

قرآن، مردم را به جهانگردی هدف‌دار دعوت کرده است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۵۱۹)

هدف مهم از جهانگردی و گردشگری در بلاد مختلف آشنایی با حقایق است که مانع مهم از انکار حقیقت جهان هستی خواهد بود.

### ۳. ۱۰. هدایت یافتگی

از دیگر مؤلفه‌های تربیتی مهم گردشگری، هدایت یافتگی و تربیت گردشگر، به سمت جهات مطلوب است، زیرا دیدن سرنوشت تکذیب کنندگان آیات و نشانه‌های خداوند آنان را به سمت تربیت مطلوب و هدایت خاص الهی سوق خواهد داد:

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ \* هذا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿ (آل عمران: ۱۳۷، ۱۳۸)

«پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند که شما نیز، همانند آن رادارید) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟! این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.»

کلمه «سنن» جمع سنت است، که به معنای طریقت و روشی است که باید در مجتمع سیر شود و اینکه امر فرموده در زمین سیر کنند برای این است که از سرگذشت امت‌های گذشته عبرت بگیرند و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاغی را ببینند که چگونه قصرهای رفیعشان به دردشان نخورد و ذخیره‌های موزه سلطنتشان و تخت مزین به جواهرشان و لشکر و هوادارانشان سودی به آنان نبخشید و خدای تعالی همه را از بین برد و چیزی به جز سرگذشتی که مایه عبرت باشد از آنان باقی نماند، ولی فرو رفتگان در غفلت کجا؟ و عبرت کجا؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۰) هذا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ در این آیه می‌گوید: «آنچه در آیات فوق گفته شد بیانیه روشنی است برای همه انسان‌ها و وسیله هدایت و اندرزی است برای همه پرهیزگاران»، یعنی در عین اینکه این بیانات جنبه همگانی و مردمی دارد تنها پرهیزگاران و افراد باهدف از آن الهام می‌گیرند و هدایت می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۰۶)

### ۳. ۱۱. یکتاپرستی و توحید باوری

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیتی یک گردشگری مطلوب، رسیدن به یکتاپرستی و یا توحید باوری است. گردشگر و سیاح با دیدن مناظر زیبای آفرینش از سوی و دیدن وضعیت رقت‌بار مشرکان از دیگر سوی، انسان را به سمت یکتا پرستی که عامل مهم و سرنوشت‌ساز در تربیت و هدایت او به سوی خدای متعال است دعوت می‌کند: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ \* فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدَّعُونَ﴾ (روم: ۴۲، ۴۳)

«بگو در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آن‌ها مشرک بودند. روی خود را به سوی آئین مستقیم و پایدار کن، پیش از آنکه روزی فرارسد که هیچ‌کس قدرت ندارد آن را از خدا بازگرداند، در آن روز مردم به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند.»

در این آیه شریفه رسول خدا ﷺ را مأمور می‌کند به اینکه به مردم دستور دهد در زمین سیر کنند و سرانجام و آثار باقیمانده اقوام گذشته را ببینند که چگونه خانه‌هایشان خراب گشته و آثارشان محو شد و تا آخرین نفر منقرض شدند و نسلشان قطع گشت و دچار انواع گرفتاری‌ها و بلاها شدند، به خاطر اینکه بیشترشان مشرک بودند، پس خدا جزای بعضی کرده‌هایشان را به ایشان چشاند تا شاید عبرت گیرندگان عبرت گیرند و در نتیجه به سوی توحید برگردند. ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ...﴾، این آیه تفریع بر ماقبل است و معنایش این است که وقتی شرک و کفر به حق چنین سرانجامی داشت و وبالش گردن‌گیر مرتکبش می‌شود، پس رو به سوی دین مستقیم کن. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۹۵)

توصیف دین به «قیم» با توجه به اینکه «قیم» به معنی ثابت و برپادارنده است در حقیقت اشاره به دلیل این توجه مستمر به دین است، یعنی چون آیین اسلام آیینی است ثابت و مستقیم و برپادارنده نظام زندگی مادی و معنوی مردم، هرگز از آن منحرف مشو. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۵۴)

### ۳. ۱۲. عبرت‌آموزی

جالب است بدانیم اکثر آیاتی که انسان‌ها را دعوت به گردشگری می‌کنند، عبرت‌آموزی در آن‌ها به صراحت بیان گردیده است. این تأکید بدین معناست که هدف مهم از گردشگری، نگاه دقیق، تفکر عمیق در آیات الهی و تحلیل درست از وضعیت



انسان‌های پیشین در طول تاریخ حیات بشر و در نتیجه، بازگشت انسان به سوی خداوند منان و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان است. آیات ذیل بازگوکننده این حقیقت‌اند: آل عمران: ۱۳۷؛ انعام: ۱۱؛ یوسف: ۱۰۹؛ نحل: ۳۶؛ حج: ۴۶؛ نمل: ۶۹؛ روم: ۹، ۴۲؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱، ۸۲؛ محمد: ۱۰.

این آیات تماماً بازگوکننده زندگی و سرنوشت شوم آنان بر اثر طغیان‌گری و پیشه‌نمودن شرک در زندگی بوده و مایه عبرت‌آموزی برای آیندگانی است که سرنوشت آنان را با سیر و سیاحت در زمین مطالعه می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

اهمیت و ضرورت گردشگری قابل‌انکار و تردید نبوده و نیست. اسلام که خود یک دین کامل و برتر در جهان است نه تنها جهانگردی و گردشگری را منع نکرده، بلکه با روش‌های ارزنده به آن جهت‌دهی کرده تا گردشگری مطلوب را به عنوان یک برنامه آموزشی و تربیتی دقیق و مثمر ثمر به جهانیان معرفی کند.

مهم‌ترین برنامه‌های پیشنهادی اسلام برای به دست آمدن نتایج مطلوب و قابل‌قبول، رسیدن به بصیرت و آگاهی، آشنایی با برنامه‌های رسولان هدایت عليه السلام، آموختن درس‌های زندگی از ناحیه سیر و سیاحت، مشاهده مناظر زیبا و دلپذیر طبیعی و پی بردن به قدرت پدیدآور آن، کسب شناخت واقعی و تفصیلی از سرنوشت جریان‌های مثبت و منفی در فراز و نشیب زندگی نوع انسانی، جلوه‌های از به نمایش درآمدن معاد و رسیدن به اعتقاد راسخ برای برانگیخته شدن در روز واپسین، پذیرش اسلام به عنوان دین حیات‌بخش و جامع، آشنایی با حقایق هستی، منجر شدن گردشگری به پذیرش اسلام واقعی، پندآموزی و عبرت‌گیری و رسیدن به توحید باوری از دستاوردها و رسیدن به مؤلفه‌های تربیتی مهم گردشگری از نگاه قرآن کریم است.

### منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- ابن هشام حمیری، عبدالملک (۱۳۸۳)، سیره النبی صلی الله علیه و آله، مصر: مکتبه

محمد بن علی صبیح و اولاده.

- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- شکویی، حسین (۱۳۵۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای جهانگردی، تبریز: مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم انسانی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: انتشارات اسلام، تهران.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۲ق)، تفسیر کبیر، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، ج ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، ج ۳، تهران: بنیاد بعثت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۳، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.

- محلاتی، صلاح‌الدین (بی تا)، اثرات و اهمیت جهانگردی در جهان معاصر، تهران: انتشارات دانشکده علوم زمین‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، تفسیر کاشف، قم: موسسه بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتاب‌فروشی لطفی.



